

دستگیری متهمی که پس از قتل جسد همسرش را مثله کرد

ششم بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ مرد میان‌سالی به پلیس آگاهی مراجعه کرد و از گم شدن دختر ۳۸ ساله‌اش به نام سمیرا خبر داد.

به گزارش سایت خبری پُرسون، ششم بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ مرد میان‌سالی به پلیس آگاهی مراجعه کرد و از گم شدن دختر ۳۸ ساله‌اش به نام سمیرا خبر داد.

رئیس کل دادگستری استان فارس گفت: عامل قتل ۶ نفر در منزلی در بلوار عدالت شیراز و ۲ نفر در خمینی‌شهر و شهرضای اصفهان به زندگی خود پایان داد.

مردی که همسرش را در بازگشت سرزده به خانه، کشته و جسد وی را مثله کرده و در دادگاه ادعای مهدورالدم بودن او را مطرح کرده بود برای سومین بار در برابر حکم قصاص قرار گرفت. ششم بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ مرد میان‌سالی به پلیس آگاهی مراجعه کرد و از گم شدن دختر ۳۸ ساله‌اش به نام سمیرا خبر داد و گفت دخترش چندماه است ناپدید شده.

وی در پاسخ به سؤال مأموران که چرا بعد از این مدت به پلیس مراجعه کرده، گفت: در این مدت دامادم افشین مدعی بود دخترم به ترکیه سفر کرده. سمیرا ۱۰ سال پیش ازدواج کرد و حالا یک فرزند ۷ ساله دارد. در این مدت مدام منتظر تماس دخترم بودم، اما حالا فهمیدم دامادم دروغ گفته و احتمال می‌دهم او خودش بلایی سر دخترم آورده باشد.

با این شکایت، مأموران پیگیر پرونده شدند و مشخص شد جسد مثله شدن سمیرا یک ماه قبل درحالی در بیابان‌های ورامین پیدا شده بود که حیوانات وحشی بخش‌هایی از آن را خورده بودند. بقایای جسد به پزشکی قانونی منتقل و، چون کسی پیگیر پرونده آن نشده بود در سردخانه پزشکی قانونی مانده بود. پدر سمیرا که به سردخانه پزشکی قانونی رفته بود بقایای جسد دخترش را شناسایی کرد و آن را تحویل گرفت.

در حالیکه فرضیه جنایت خانوادگی قوت گرفته بود همسر سمیرا احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او حرف‌هایی که به پدر همسرش گفته بود را تکرار کرد و گفت: همسرم بهیار بود و در بیمارستان کاری کرد. مدتی قبل فهمیدم سمیرا با مهیار که در طبقه دوم ساختمان‌مان زندگی می‌کرد ارتباط پنهانی دارد.

من به خاطر علاقه‌ای که به همسرم داشتم چند بار به او تذکر دادم و از خطایش چشم‌پوشی کردم. اما او از اعتماد سوءاستفاده کرد من و دخترمان را تنها گذاشت و همراه مهیار برای زندگی به ترکیه رفت. در ادامه تحقیقات و افشای تناقض‌گویی‌های این مرد لب به اعتراف گشود و بعد از ۳ ماه پرده از راز جنایت برداشت.

اعتراف به جنایت

او گفت: من سمیرا را کشتم و جسدش را پس از مثله کردن در حمام در بیابان‌های پاکدشت رها کردم. در این مدت به دروغ به پدرزنم گفتم سمیرا همراه مرد همسایه فرار کرده و به ترکیه رفته است. با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

نخستین دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم برای دامادشان درخواست قصاص کردند. پدر مقتول به جایگاه رفت و گفت: اگر دخترم مشکل اخلاقی داشت چرا افشین او را طلاق نداد دختر من خودش به دادگاه رفته و مهریه‌اش را بخشیده بود تا از شوهرش جدا شود. این مرد می‌توانست دخترم را طلاق دهد. اما او را بی‌رحمانه به قتل رساند و ما را ۳ ماه فریب داد. سمیرا همیشه به خاطر رفیق‌بازی‌های شوهرش از او ناراحت بود و مدام از بزم‌های شبانه او با دوستانش و مشروب خواری او گله می‌کرد و از زندگی‌اش خسته شده بود.

من به هیچ عنوان حاضر به مصالحه و گذشت نیستم، او باید بابت جنایتی که مرتکب شده قصاص شود. سپس افشین روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: اتهامم را قبول دارم. اما نمی‌توانستم شرایط را تحمل کنم. من زنم را دوست داشتم، اما او با همسایه‌مان در ارتباط بود. همان موقع موضوع را به پدر و مادر سمیرا گفتم و با وساطت آنها همسرم را بخشیدم. ولی دو روز بعد وقتی به خانه آمدم دیدم زن مهیار هم متوجه موضوع شده و با میله بارفیکس مقابل خانه آمده و شیشه و در خانه ما را شکسته است.

من میله بارفیکس را برداشتم و با همان میله وارد خانه شدم و به رفتارهای سمیرا اعتراض کردم. اما او با بی‌اعتنایی گفت دیگر علاقه‌ای به ادامه زندگی با من ندارم. من هم با همان میله بارفیکس چند ضربه به سرش زدم و او را کشتم. جسدش را در حمام خانه مثله کردم و به بیابان‌های اطراف پاکدشت بردم. باور کنید وقتی جسدش را در بیابان رها کردم سه شب به آنجا می‌رفتم و به جسدش سر می‌زدم تا اینکه آخرین بار دیگر جسد را ندیدم و دیگر به آنجا نرفتم. من همسرم را دوست داشتم و نمی‌خواستم او را بکشم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده وی را به قصاص با پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیای دم محکوم کردند. همچنین در ادامه، مهیار به اتهام رابطه پنهانی با قربانی در پشت درهای بسته و غیرعلنی محاکمه و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

شکسته شدن حکم قصاص

با اعتراض متهم به حکم صادره پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص را شکستند و خواستار رسیدگی دوباره به پرونده شدند. به این ترتیب بار دیگر افشین در شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

او در جلسه دادگاه اظهارات قبلی‌اش را تکرار کرد و گفت: زنم با مردان زیادی در ارتباط بود. من این موضوع را به پدر و مادر زنم گفته بودم. آنها هم با سمیرا صحبت کرده و از او قول گرفته بودند دست از این رفتارها بردارد. اما گوشش بدهکار نبود. حتی یک شب وقتی به محل کار همسرم رفتم متوجه شدم او در بیمارستان حضور ندارد. با او تماس گرفتم. اما به دروغ گفت در محل کارش است.

من آنجا هم پدر زنم را در جریان قرار دادم و حدود ۲ ساعت بعد سمیرا به محل کارش آمد. پدر زنم به من گفت من مرد بی‌غیرتی هستم. او بار دیگر به تشریح جزئیات آخرین درگیری پرداخت و مدعی شد همسرش مهدورالدم بوده و به همین خاطر او را کشته است. در پایان آن جلسه قضات دادگاه ادعای وی مبنی بر مهدورالدم بودن قربانی را نپذیرفتند و وی را بار دیگر به قصاص محکوم کردند.

با شکسته شدن دوباره حکم قصاص، بار دیگر در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات عالی رتبه اینبار نیز حکم قصاص را شکستند و خواستار رسیدگی دوباره به پرونده در شعبه همعرض شدند. به این ترتیب افشین در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد. در سومین دادگاه چه گذشت؟ در این جلسه اولیای دم بار دیگر درخواست قصاص را مطرح کردند.

وقتی افشین روبه‌روی قضات ایستاد گفت: من بارها رفتارهای مشکوک از همسرم دیده و به او تذکر داده بودم، اما دست بردار نبود. آخرین بار از من خواست تا پسرمان را به خانه مادرم بفرستیم و با هم صحبت کنیم. بعد از رفتن پسرمان، او بدون اینکه حرفی بزند خوابید. چون من فوتبالیست هستم و آن زمان ربات صلیبی پایم پاره شده بود در خانه بودم و سرکار نمی‌رفتم.

اما او صبح زود مرا بیدار کرد تا سر کار بروم و گفت خودش هم به بیمارستان می‌رود. من رفتم، اما ظهر بدون اطلاع به خانه‌مان در پاکدشت برگشتم و صدای همسرم را که از خانه مهیار به گوش می‌رسید شنیدم. من منتظر شدم تا همسرم به خانه برگردد. به او گفتم به حقیقت پی برده‌ام، اما گفت این ماجرا به من ارتباطی ندارد و دیگر حاضر به ادامه زندگی با من نیست.

همان موقع همسر مهیار که سر رسیده به ماجرا پی برده بود مقابل خانه‌مان آمد و با میله آهنی در و شیشه را شکست. من همان موقع با پدر زنم تماس گرفتم و ماجرا را برایش تعریف کردم. او مرا بی‌غیرت صدا زد و گفت باید همان موقع هر دوی آنها را می‌کشتم. او ادامه داد: من در حال بحث با همسرم بودم که گوشی موبایل او زنگ خورد. من چند روز قبل گوشی موبایلش را از او گرفته بودم و از اینکه گوشی جدیدی خریده تعجب کردم.

اما اون حرف‌هایی زد که از شنیدن آن کنترل اعصابم را از دست دادم. او گفت برای خودش گوشی جدید خریده و شب‌ها به پارکینگ خانه می‌رفته و با مهیار ملاقات می‌کرده است. او به سمتم حمله کرد و من او را هل دادم. وقتی سمیرا روی زمین افتاد میله‌ای را که همسر مهیار با آن شیشه‌ها را شکسته بود برداشتم و چند ضربه به سر زنم زدم. او فریاد می‌کشید که دستم را جلوی دهانش گذاشتم تا خفه شد.

سپس جسد را حمام بردم، مثله کردم و آنها را در چند پلاستیک گذاشتم و در بیابان‌های ورامین رها کردم. بعد از چند روز به سراغ پدر زنم رفتم و به دروغ گفتم دخترش با مهیار فرار کرده است. در این میان پدر سمیرا برخاست و گفت: دامادم دخترم را مجبور کرده بود سر کار برود تا خرج زندگی خودش و پسرش را تامین کند. او همیشه به دخترم بی‌اعتنایی می‌کرد و من حتی چند بار با افشین صحبت کرده و به او گفته بودم با این رفتارها همسرش را از دست می‌دهد. اما گوشش بدهکار نبود.

من می‌دانستم دخترم با مرد همسایه در رابطه است، اما هرگز به دامادم بودم او را بکشد. به همین خاطر تقاضای قصاص دارم. سپس وکیل افشین به دفاع پرداخت و ادعای مهدورالدم بودن قربانی را مطرح کرد. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و ادعای متهم مبنی بر مهدورالدم بودن همسرش را

نپذیرفتند و بار دیگر وی را به قصاص و پرداخت دیه به خاطر جنایت بر میت محکوم کردند.